

شرق روزنامه

بازگشت تروریست‌ها مسئله روز مقامات تونس

بازگشت تونسی‌ها از کانون‌های بحران و درگیری و عضویت در گروه‌های تروریستی نگرانی‌های زیادی را در این کشور دامن زده است. درحالی‌که برخی خواستار برخورد «سخت‌گیرانه» درباره کسانی هستند که وابستگی‌شان به گروه‌های تروریستی اثبات شده باشد، نهادهای رسمی با واردداشتن نگرانی‌های مردم می‌گویند با هرکس برگردد، با احترام و طبق قانون حقوق بشر رفتار خواهد شد. دراین‌میان گروهی می‌گویند باید از آنها استقبال کرده و تحویل دادگاه‌شان داد تا محاکمه شوند اما گروهی دیگر می‌گویند اصلا نباید اجازه بازگشت به آنها را داد.
چندی پیش یوسف الشاهد، نخست‌وزیر تونس، به صورتی آشکار اعلام کرد آنها نباید برگردند و اگر برگردند، باید طبق قانون «تروریسم» با آنها برخورد شود.

اما اظهارات او با تقبیح «انور اولادعلی»، رئیس دیده‌بان حقوق بشر و آزادی‌های تونس، مواجه شد و آن را «دخالت در امور قضائی» دانسته، افزود: «برخی از این امور حاکسی از بزرگ‌نمایی رسانه‌ای و به قصد فشارهای سیاسی بر قضات است».

او که از برخی پرونده‌های قضائی اطلاع دارد، تأکید می‌کند اکثر افراد متهم به جرائم «تروریستی» یا وابستگی به گروه‌های افراطی «در معرض شکنجه یا اعترافات اجباری قرار گرفته یا به آنها حصر خانگی داده شده و از سفر و نقل و انتقال در کشور ممنوع شده‌اند».

براساس اطلاعات رسمی، بیش از ۳۰۰ نفر هم‌اکنون متهم و مجبور به حصر خانگی هستند. این اقدامات– که به‌دنبال انفجار اتوبوس نیروهای امنیتی در سال گذشته اتخاذ شد– به قانون حالت فوق‌العاده مربوط می‌شود که به وزارت کشور اجازه می‌دهد حرکت متهم را محدود کند.

استقبال قضائی

اولادعلی دراین‌باره می‌گوید اجرای چنین اقداماتی «بر معیارهای دقیق یا اثبات جرم متمرکز نیست». وی خواستار آن است از «بازگشتگان استقبالی قضائی شود و در هر حالتی به صورت عادلانه محاکمه شوند. تا دیگر افرادی با انگیزه‌های انتقام‌جویانه از مرزها وارد نشوند».
براساس گفته‌های جوهرین‌مبارک، کارشناس حقوقی در تونس، قوانین کافی برای تعامل با «پدیده تروریسم» وجود دارد. قانون اساسی و قانون مبارزه با «تروریسم» این مسائل را روشن کرده است.
مجله جزایی و مجله شکایات و مجازات نظامی نیز به این مسائل به اندازه کافی پرداخته‌اند. با وجود اینکه احزاب سیاسی –مثل حزب ندای تونس احزب حاکم]– با برگشت تونسی‌ها از کانون‌های بحران به‌طورکلی مخالفند، جوهرین‌مبارک می‌گوید «طبق قانون اساسی، هیچ فردی را نمی‌توان از بازگشت داوطقانه به خانه‌اش محروم کرد یا نگذاشت داخل کشور شود».

این کارشناس حقوقی در نمی‌کند ممکن است با متهمان به جرائم تروریستی یا کسانی که از کشورهای درگیر جنگ برگشته‌اند برخورد بدی شده باشد. او درعین‌حال یادآور می‌شود نهادهای جامعه مدنی تونس پیش از این از «خلاهای قانونی مربوط به تروریسم» گلایه کرده بودند، زیرا این‌ خلا‌ها اجازه کارهایی خلاف قانون را به مجرمان می‌دهد.

برخورد قانونی

در واکنش به این انتقادات، «یاسر مصباح»، مسئول رسانه‌های وزارت کشور، می‌گوید: «این وزارتخانه هر کاری را که قانون بگوید، می‌کند تا نگذار حمله‌ای تروریستی به وقوع بپیوندد» او تأکید دارد اساسا با پرونده «تروریسم» طبق قانون و «احترام به حقوق بشر» برخورد می‌شود. مصباح درباره نحوه برخورد با کسانی که از خارج برگشته‌اند، می‌گوید وزارت کشور تاکنون ۱۹۰ نفر از این متهمان را به قوه قضائیه فرستاده و به‌علاوه ۱۳۷ نفر حصر خانگی گرفته و تعدادی هم تحت کنترل‌های اداری و امنیتی هستند.
براساس اظهارات «هادی مجدوب»، وزیر کشور تونس، بیش از ۸۰۰ نفر تونسی از کانون‌های منازعات برگشته‌اند. مقامات این کشور تخمین می‌زنند بیش از سه هزار نفر تونسی برای در جنگ در سوریه، عراق و لیبی به این کشورها سفر کرده باشند؛ کسانی که برگشته‌اند به مناطق مختلف تونس تعلق دارند اما گفته می‌شود غالب آنها از محله‌های حاشیه‌نشین شهرها هستند.

موضع روشن

«ایاد الدهمانی»، سخنگوی دولت، می‌گوید موضع دولت دراین‌باره روشن است. او تأکید دارد کسانی که بیایند را «تونس برنی‌کرداند و با هیچ طرفی هم درباره نحوه برگشت آنها قرارداد امضا نمی‌کند». الدهمانی می‌گوید دولت فهرستی درباره هویت تونسی‌هایی دارد که به مناطق درگیری سفر کرده‌اند. اگر این افراد برگردند طبق قانون اساسی با آنها برخورد خواهد شد و طبق قانون مبارزه با «تروریسم» محاکمه خواهند شد. درضمن باید برای این افراد شرایط عادلانه و حق دفاع از خود و احترام به حقوق بشر مهیا باشد.
شاین درود، که در آنیکه تونسی است توافق‌نامه‌های بین‌المللی درباره حقوق بشر صادره از سازمان ملل متحد را پذیرفته و قوانین خود را براساس این توافق‌نامه‌های بین‌المللی تنظیم کرده است. در این توافق‌نامه‌ها شکنجه برای گرفتن اعتراف ممنوع و قانون اساسی کشور نیز شکنجه را ممنوع کرده است.



یادداشت

عراق و ترکیه در راه مذاکره و تفاهم

روابط عراق و ترکیه از چند ماه پیش بحرانی بود. نخست‌وزیر ترکیه در سفری به بغداد گفت که دو کشور در مبارزه با تروریسم متحد هستند و تصمیم گرفته‌اند اختلافات را به شیوه دوستانه حل کنند. حیدر العبادی، نخست‌وزیر عراق، پس از گفت‌وگوهایی با همتای ترک خود، «بن‌علی ییلدیریم»، از توافق‌هایی میان دو کشور خبر داد، اما از جزئیات آن چیزی نگفت. حدود دوهزار نفر از ارتشیان ترکیه از نزدیک به دو سال پیش در پادگان بعشقه در نزدیکی موصل در شمال عراق مستقر هستند. به گفته ترکیه، هدف آنها آموزش نظامی به پیشمرگه‌های کرد و سایر نیروهای شبه‌نظامی فعال در کردستان عراق در مبارزه با بنیادگرایان داعشی است. دولت عراق با حضور ارتشیان ترکیه مخالف است و آن را مصداق «اشغال» دانسته و حتی برای بیرون‌راندن آنها دست‌به‌دامان شورای امنیت شده است، اما ترکیه که خود را بخشی از ائتلاف ضدداعش می‌داند، می‌گوید امنیت در شمال عراق ضرورت دارد.

اکتون «حیدر العبادی»، نخست‌وزیر عراق، می‌گوید ترکیه قصد دارد این «مشکل» را حل کند. نخست‌وزیر ترکیه نیز تأیید می‌کند که دو کشور قصد دارند اختلافات را «به روش دوستانه» حل کنند.



نخست‌وزیر ترکیه گفته است هرگاه «داعش» نابود شود و صلح و ثبات به عراق برگردد، نیروهای ترکیه از عراق بیرون خواهند رفت. در قطع‌نامه رؤسای دولت دو کشور بر حق حاکمیت عراق تأکید شده است. هدف واقعی ترکیه آن است که با شرکت در ائتلاف مبارزه با تروریست‌های مسلح داعش، جای پای در عراق داشته باشد. هدف دیگر ترکیه آن است که در شمال عراق از تکوین پایگاهی برای کردهای ترکیه جلوگیری کند. در این جهت نیز رؤسای دو دولت به توافق رسیده‌اند.

به گزارش رسانه‌های جمعی ترکیه، دولت عراق به نخست‌وزیر ترکیه ضمانت داده است که عراق به پایگاهی برای حزب کارگران کردستان (پ‌ک‌ک) برای حملات آن به ترکیه بدل نخواهد شد. ترکیه جریان چپ‌گرای یادشده را گروهی تروریستی و بزرگ‌ترین دشمن حاکمیت خود می‌داند.

مبارزه با کردهای مسلح

ترکیه از مبارزه پیشمرگه‌های کرد عراقی پشتیبانی می‌کند، اما هزراگاهی به مواضع کردهای ترکیه در شمال عراق حمله می‌برد. در روزهای گذشته پشت جبهه پیشمرگه‌های پ‌ک‌ک در قندیل زیر بمباران قرار گرفته است. ترکیه به شیوه‌های گوناگون از کردهای عراق می‌خواهد که فاصله خود را با کردهای ترکیه حفظ کنند. در راستای این خواست است که حکومت خودگردان کردهای عراق به‌تازگی از افراد مسلح پ‌ک‌ک خواست از شهر سنجار خارج شوند. رسانه‌های ترکیه این رویداد را موفقیتی برای دیپلماسی کشورشان دانسته‌اند.



«عبدالعزیز رحابی» از اعضای برجسته اپوزیسیون الجزایر:

انسداد سیاسی، پشت سرش بحران است

ما هنوز گرفتار همان مسائل سیاسی دهه ۹۰ هستیم و این بسیار نگران‌کننده

است؛ زیرا الجزایر‌ها تجربه کرده‌اند که هرچا انسداد سیاسی باشد، پشت سرش بحران خواهد بود. ازاین‌رو من معتقدم رفتن یک نفر با استعفای چند نفر مشکل ما را حل نمی‌کند.

۴ در ارتباط با حرف‌های شما، «جمال ولد عباس»، دبیرکل جدید جبهه آزادی‌بخش ملی اعلام کرد از نامزدی بوتفلیقه برای پنجمین‌بار حمایت می‌کند. نظر شما دراین‌باره چیست؟

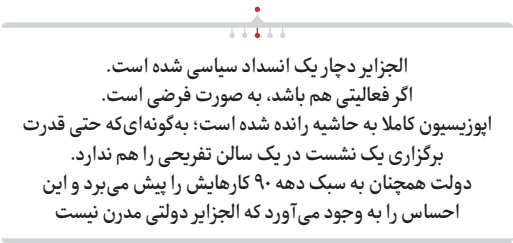
الجزایر از زمانی که به فکر ریاست‌جمهوری مادام‌العمر افتاد، وارد این بحران شد. سال‌ها پیش وقتی بحث می‌کردیم که عوامل بحران‌های امنیتی چیست، ما به این نتیجه رسیدیم که ریاست‌جمهوری مادام‌العمر دو دلیل اصلی هستند. این پدیده‌ای است که موجب عدم پاسخ‌گویی و فرار از مجازات می‌شود و رشوه و فساد را در کشور ترویج می‌کند. اگر ریاست‌جمهوری مادام‌العمر نبود یا در سوریه، عراق و مصر مسئله موروثی‌کردن حکومت مطرح نمی‌شد، این کشورها به چنین بحران‌هایی دچار نمی‌شدند. یکی از امتیازات جنبش‌های بهار عربی این بود که تفکر موروثی‌کردن حکومت‌ها را در این منطقه منتهی کرد.

الجزایر اولین کشوری بود که به فکر ریاست‌جمهوری مادام‌العمر افتاد؛ چون طبق قانون اساسی، رئیس‌جمهور فقط می‌توانست برای دو دوره نامزد شود، اما امروز متأسفانه این قانون از بین رفته و در الجزایر در عمل رئیس‌جمهوری به صورت مادام‌العمر درآمده است.

۴ اما وقتی اصلاح قانون اساسی صورت گرفت باز بر دو دوره‌بودن ریاست‌جمهوری تأکید داشت؟

بله، ولی باز به دلایلی همان راه پیموده شد؛ یکی به دلیل مشکلات بهداشتی و دیگری به دلیل فشارهای محیطی و شرایط بین‌المللی و منطقه‌ای در کنار وضعیتی که در برخی از کشورهای عربی و آفریقایی مشاهده می‌شد. **۴ در این عرصه سیاسی، خیلی‌ها می‌پرسند اپوزیسیون در کجای آن قرار دارد. بعضی می‌گویند به‌کلی غایب است. بعضی هم انتقاد می‌کنند که قدرت فشارآوردن بر نظام را ندارد. دیگران هم می‌گویند اپوزیسیون دستانی در ایجاد این عرصه سیاسی ندارد، بلکه بیشتر به اقدامات دولت واکنش نشان می‌دهد؟**

درباره فعالیت‌های اپوزیسیون الجزایر باید قبل از هرچیز به ماهیت یک نظام توتالیتر توجه داشت که به مخالفان هیچ اجازه‌ای نمی‌دهد. آنها نه می‌توانند جمعی داشته باشند، نه نشستی. ما یک‌بار وقتی می‌خواستیم نشستی را برگزار کنیم، به ما سالتی دادند که در آن فقط ۳۲۰ نفر جا می‌گرفتند، حال آنکه ما ۱۴۰ روزنامه‌نگار دعوت کرده بودیم. همان زمان جبهه آزادی‌بخش که طرفدار دولت است، سالتی به ظرفیت هفت هزار صندلی در اختیار داشت.



گفت‌مان سیاسی کشور وقتی سالم است که اپوزیسیون در آن سهمیه باشد و درباره مسائل سرنوشت‌ساز مثل سیستم آموزشی، مسائل اقتصادی، مبارزه با فساد و ... نظرش را بشنود، اما همیشه از ما می‌خواهند که مبارزان را گرد هم نیاوریم یا با آنها ابراز همدردی نکنیم یا اینکه نگذاریم کسی به خیابان بریزد و ... اینها قابل‌قبول نیست.

باین‌همه من تأکید می‌کنم که جایگاه اپوزیسیون پارلمان است، نه خیابان و برای اینکه به پارلمان برسد باید خودش را به مردم برساند و برای اینکه خودش را به مردم برساند، باید راه‌ها برایش باز باشد. مثل رسانه‌های عمومی، سالن‌های اجتماعات و... اما متأسفانه چیزی که در عمل اتفاق می‌افتد، فشار و فشار و فشار است. امروزه دستاوردهای اپوزیسیون از دوران پیش از بوتفلیقه خیلی کمتر شده است.

برای مثال من می‌پرسم آیا این عقلانی است که جریان اسلام‌گرایی در الجزایر یک نماینده رسمی نداشته باشد؟ به‌ویژه اینکه جریان یادشده از تجارب سابق اسلام سیاسی در جهان اسلام از جمله تونس و مراکش بهره‌مند است. این جریان نسبت به گذشته پختگی بیشتری پیدا کرده، اما متأسفانه دولت از آن استفاده نمی‌کند. همین مسئله درباره جریان دموکراتیک نیز صادق است که در داخل جامعه الجزایر تابه‌حال پیشرفت‌های زیادی داشته است.

۴ در کنفرانس مزافران که نیروهای اپوزیسیون جمع شده بودند، نکته جالب توجه اینکه احزاب شرکت‌کننده تلاش فراوانی کردند تا بر یک پروژه سیاسی واحد توافق کنند. حالا چندماه از آن تاریخ می‌گذرد، چه چیزی تحقق پیدا کرده است؟

«عبدالعزیز رحابی»، شاغل متعددی از سفارت تا وزارت داشته و در دولت «اسماعیل حمدانی» (۱۹۹۸-۱۹۹۹) سخنگوی رسمی دولت به حساب می‌آمد. او که خود را یکی از رهبران گروه‌های مخالف می‌داند، معتقد است اپوزیسیون در کشورش با موانع متعددی روبه‌روست و شرایط نسبت به سال‌های نخست ریاست‌جمهوری «عبدالعزیز بوتفلیقه» بدتر شده است؛ باین‌حال او معتقد است مخالفان در الجزایر در دهه‌های گذشته پخته‌تر شده و تجارب زیادی آموخته‌اند و امروزه با پرهیز از اختلافات مذهبی یا فرقه‌ای و نژادی بر مسائل کلیدی و سرنوشت‌ساز تأکید می‌کنند. او هرگونه جنگ قدرت درون هیئت حاکم را رد کرده و آنها را بیشتر بازی‌های سیاسی می‌داند؛ باین‌حال می‌گوید مسئله موروثی‌کردن حکومت در جهان عرب بعد از جنبش‌های بهار عربی دیگر منتهی شد. متن گفت‌وگوی «المجله» را با او می‌خوانید:

۴ چند ماه است کشمکش‌هایی در الجزایر مشاهده می‌شود و مقامات از فسادهای حکومتی می‌گویند. از رانت‌هایی که منجر به امتیازهای اقتصادی فراوان شده است. نظر شما دراین‌باره چیست؟

اگر کشمکشی بین مخالفان و دولت باشد، امر بدی نیست و درنهایت به نفع جامعه خواهد بود، اما در دولت تناقضاتی است که مردم را کج می‌کند و این می‌تواند منفی باشد. این نشان می‌دهد که در دولت روح همبستگی وجود ندارد و برای مثال یک قدرت فراتری وجود ندارد که بتواند جناح‌های متناقض را تحت فرمان خود درآورد. اینها عمدتاً به حضورنداشتن رئیس‌جمهوری در کشور ما برمی‌گردد؛ زیرا فعالیت‌های یک دولت در اکثر کشورهای جهان از طریق نشست‌های دولتی با حضور رئیس‌جمهوری اعلام می‌شود و این مدت‌هاست که در الجزایر وجود ندارد.

۴ می‌توان گفت این کشمکش‌ها بیان‌کننده نوعی نزاع مخفی در حکومت و بین جناح‌های مختلف است که می‌خواهند خلا رئیس‌جمهوری را پر کنند؟

من به نزاع در دولت یا جناح‌های آن اعتقادی ندارم. زیرا رئیس‌جمهوری قدرت مطلق را دارد. او فرمانده کل ارتش است، رؤسای احزاب طرفدار خودش را تعیین می‌کند و همچنین گزینش اعضای دولت در دست اوست. بوتفلیقه ۱۹ سال است که این سیاست را دارد پیش می‌برد و همه تصمیم‌گیری‌ها به دست او بوده. برای همین در الجزایر نهادهای مستقل وجود ندارد و نهادهای رسمی استقلال ندارند.

سوآلی که امروزه مطرح است، این است که در غیاب رئیس‌جمهوری چه باید کرد. او از سال ۲۰۱۲ تاکنون با مردم صحبتی نکرده است. آیا واقعاو تصمیم‌ها را می‌گیرد؟ یا اینکه بخشی از اختیارات خود را به نزدیکانش سپرده است؟ این نزدیکان چه کسانی هستند و در نهادهای دولتی، نظامی چه نقشی دارند؟ این سوآل اصلی مردم الجزایر است که باید به آن جواب داده شود.

۴ چندی پیش عمار سعدانی استعفا کرد. کسی که نقش ویترین را در منازعات بین نهاد ریاست‌جمهوری و سازمان اطلاعات بازی می‌کرد. آیا رفتن او بیانگر همین نزاع در حکومت نیست؟

سعدانی در واقع در قدرت نقشی نداشت. او از طرف رئیس‌جمهوری در شرایطی مهم برای مأموریتی تعیین شده بود و در همین شرایط غیرشفاف هم برکنار شد. آری او مأموریتی داشت. ما دیدیم که او به صورتی غیرمستقیم در برکناری سرگرد «محمد مدین»، (معروف به ژنرال توفیق)، از ریاست سازمان اطلاعات نقش داشت. با رفتن توفیق مأموریتش هم خاتمه یافت؛ اما معلوم شد در داخل جبهه آزادی‌بخش نزاعی هست. این نشان می‌دهد که این حزب متأسفانه تا حد زیادی از هم گسیخته شده است.

اما اگر به ماهیت نظام الجزایر برگردیم، می‌بینیم از زمان تکوین این نظام بعد از انقلاب آزادی‌بخش الجزایر همین‌طور بوده است. نظامی مرکب از مجموعه‌های کوچک به‌هم‌پیوسته که آن را تشکیل می‌دهند. مشکل ما در الجزایر این نهادهای نیست که تصمیم می‌گیرند؛ بلکه مشکل در یک قدرت سیاسی فراتر است که خارج از این نهادهای تصمیم‌گیری می‌کند. در سال‌های گذشته این مجموعه به چهار یا پنج نفخ تقلیل یافت، اما درحال‌حاضر به یک نفر رسیده است، یعنی شخص رئیس‌جمهوری، بوتفلیقه.

۴ آیا رفتن سعدانی در آینده نظام تأثیری نخواهد داشت؟

نه، به‌هیچ‌وجه. مشکل حتی در جبهه آزادی‌بخش یا دبیرکل آن هم نیست؛ چون همه از سوی رئیس‌جمهوری تعیین می‌شوند. مسئله به یک فرد برمی‌گردد که همه اختیارات سیاسی را دارد. اگر او اراده کند که اصلاحات سیاسی در کشور برقرار شود، اصلاحات خواهد شد. در واقع هیچ گروه سیاسی خاصی در داخل دولت وجود ندارد که نظری مخالف با رئیس‌جمهوری داشته باشد. نیروهای سیاسی طرفدار دولت دیگر این بازی را خوب درک کرده و یاد گرفته‌اند چطور در مسیر آب شنا کنند.

کشور ما دچار یک انسداد سیاسی شده است. اگر فعالیتی هم باشد، به صورت فرضی است. اپوزیسیون کاملاً به حاشیه رانده شده است؛ به‌گونه‌ای‌که حتی قدرت برگزاری یک نشست در یک سالن تفریحی را هم ندارد. دولت همچنان به سبک دهه ۹۰ کارهایش را پیش می‌برد و این احساس را به وجود می‌آورد که الجزایر دولتی مدرن نیست؛ به‌ویژه از لحاظ اندیشه و تفکر.